

قدمات تاریخی و عمر هزار ساله ادب پښتو

زبان ملی و مقدس ما پښتو از قرار تدقیقات تاریخی و فقه اللغه یک زبان باستانی آریائی های قدیم است، که در وطن حقیقی و اصلی آریائی ها تاکنون زنده مانده، و باوجود تغلب و سلطه السنه دیگر زندگانی خود را قرنهای متمادی در کوهسار پښتونخوا حفظ کرده است.

آثار زبانهای باستانی ایکه از مدت چندین هزار سال پیش از اسلام مانده مانند اوستا Avesta و ریگویدا بما آشکارا می سازد که بسی از کلمات و الفاظ السنه قدیم مذکوره، تاکنون در پښتو زنده است و قدمات تاریخی زبان ما را در قرون قبل از اسلام بوضوح میرساند.

اگر چه درین موضوع بارها مجله کابل مضامین مفیدی را نشر داده و فضای پښتون پاره از تحقیقات و کنجکاوهای گرانهای خود را بمعرض اشاعه گذاشته اند، ولی هنوز هم این موضوع مهم تشنه تدقیق و کنجکاو میزد است، بنابراین من میخواهم که درینجا برای اینکه مقدمه سخن را بصورت خوبی فراهم کنم، در پیرامون سه چهار کلمه پښتو تدقیق میکنم، تا قدمات زبان ما پیش از اسلام خوبتر به

ثبوت رسد، و بعد از آن به اصل مقصد که عمر هزار ساله ادب پنتو است میروم.

در اوستا که کتاب کهن آریانه‌های باختریست، مسکن و آرامگاه آریائی‌ها را (آریانا و بجه) آورده اند، که معنی آن سرزمین نجباء است (۱) این کلمه در زبان ملی ما تاکنون زنده و مستعمل است، در قندهار میگویند (احمد محمود د خدای پر او بجه نه پر پردی) یعنی احمد محمود را بر زمین خدا نمی ماند، و باینصورت (او بجه) اکنون هم در پنتو سرزمین را گویند که بلا شبهه همان کلمه اوستائی است و عمر آن را هم هزار سال پیش از اسلام تخمین کرده می توانیم. همچنان کلمه (خشتاوی) در اوستا آمده (۲) که خاورشناس دانشمند دوکتور جیگر المانی آنرا به زرتک و قوی و دلیر ترجمه میکند (۳) این کلمه در پنتو به همین معنی و مفهوم تاکنون زنده است (غبتلی) ابدال غ و خ در پنتو خیلی زیاد است مثل: دوخین، و دوغین، واخیستل، واغستل، شین طبعاً به (بن) تبدیل میگردد، شاید نام یکی او پهلوانان تاریخ ملی ما (غرغبت) هم اصلاً (غوره غبتلی) یعنی (نیرومند برگزیده) یا (غرغبتلی) یعنی (نیرومند کوهسار) بود، و سپس منحوت شده است.

در زبان آریائی‌های هندی نیز بسی از کلمات با پنتو مشترک است، که از آنجمله نامهای چهار طبقه مشهوریست، که قدمای اسلاف آریائی‌های هندی به آن قایل بودند، و آن عبارت از (برهمن، کشتری، ویش، شودر) است که از ازمئه باستانی این تقسیم در هند موجود بوده است. (۴)

قراریکه بعضی‌ها معتقدند این چار نام تماماً پنتو بوده، و بمرور دهور ابدال و تغییری در آن راه یافته است بدین تفصیل:

برهمن: بر، در پنتو بلند و عالی را گویند، بری بمعنی بلندی و غلبه است، که ازان بریالی را ساخته اند، یعنی فیروز و دارای بلندی و ظفر اگر با کلمه بری، ادات نسبت (من) بیاوریم، بریمن می شود، یعنی دارای علو مرتبت و بلندی، (ه و ی) با هم خیلی تبدیل می شود، مثلاً: هواد، یواد.

این طبقه در آریائی های هندی دارای مرتبت بلندی بوده که امور روحانی به آنها تعلق داشت، و ممتاز ترین طبقات شمرده می شد. (۵)
 کشتی: وظیفه این طبقه در آریائی قدیم سپاهی گری، و امور عسکری بود، و اینها وسیله ظفر و بزرگی برهمن ها بودند و از حیث امتیازات هم در طبقه دوم بشمار میرفتند. (۶)

این کلمه در پنتو دو ریشه دارد، کنس را از کنبل که مصدر است بمعنی کشیدن و آختن، گرفته اند، و تری به ضم تاء جمع تره است که در املائی کنونی برای اظهار حرکت اول آنرا به واو (توره) می نویسند، گویا د پنتوی قدیم برای نام عسکر ازین دو ریشه کار می گرفتند، و معنی کنتری (اشخاص شمشیر آخته) می شود، که عبارت از لشکر و سپاهیانند، برای ثبوت این مطلب ما یک سند ادبی و علمی دیگری هم داریم، که در یکی از قدیمترین آثار منثور ادبی پنتو (خیر البیان) که در حدود سال هزارم هجری از طرف یکی او نوابغ افغان (بایزید) نگاشته شده و نسخه قلمی آن را ناورشناس سردینسن راس بدست آورده و مستشرق معروف ناروژی مارگنستیرن، شرحی در اطراف این نسخه قیمت دار در مجله آثار عتیقه هند نوشته و نمونه های اکثر این نسخه را بحروف لاتین چاپ کرده عیناً همین کلمه بصورت (تور کنن) مقلوب آمده، که ما آن جمله را عیناً درینجا می آوریم:

"مشغول دي ډېر آدميان ځيني په کرلو په بازرگانی باندې، یا په پوندگلی یا په تورکښ باندې، ځيني په نورو نورو چارو مشغولي کا آدميان. (۷)

درینجا هم نگارنده خیرالبیان که از نوابغ برجسته فکر و فلسفه افغانستان، اشغال انسانی را در زراعت و تجارت و عسکریت و غیره بیان میکند، و عسکریت را (تورکښ) می خواند و ازان بر می آید که این کلمه قدیمه آریائی تاسنه هزار هجری زنده بود، و شکل قدیم آن همان (کبتری) اساطیری است.

وېش : این کلمه در زبان حالیه ما (وېش) است که معنی بیدار و هوبنیار را میدهد، و در آریائی های قدیم وظیفه این طبقه کاشتکاری، و زراعت و خدمت حیوانات و غیره بود، منوشاستر وظایف این طبقه را چنین می شمارد : "ویش باید بعد از ازدواج کار کند، و مواشی خود را نگهداری نماید، و اصول کاشت تخم ها را بداند، و زمین خوب را بشناسد و اندازه های اجرت و مکیال و میزان و اصول خرید و فروش به وی خوب معلوم باشد. (۸)

خدمات مهمی که در جامعه به این طبقه سپرده شده، البته با بیداری و هوشمندی ایفا میگردد، و ممکن است که کلمه (وېش) را هم ازین رو برین گروه اطلاق کرده باشد.

شودر : سکنه اصلی هند که پیش از مهاجرت آریائی ها در هند سکونت داشتند، شودر خوانده شده اند این گروه پست ترین چهار طبقه شمرده میشد، و وظایف بسیار پست به آنها محول میشد، در پښتو تاکنون کلمه (سوډر) موجود و زنده است که بر شخص پست و نالایق و بیخرد اطلاق میگردد، که هیچگونه لیاقت و هوش و خردی را نداشته باشد.

علاوه بر کلماتیکه در بالا ذکر رفت بسی از کلمات دیگر هم موجود است، که بر قدمت تاریخی این زبان دلالت داشته، و ربط آنرا با قدیمترین السنه آریائی میرساند مثلاً: دپوه چراغ را گوئیم، که آریانهای مرکزی نور و روشنی را (دیف) می گفتند، در سانسکریت دیفاس و دیواس و دیوا بمعنی آفتاب و روشنی است آسمانرا هم با این تقریب دیوس میگفتند، دیوس یونانی، و دووس و دیوفیس و جوفیس و جوبتر لاتین، و ذیو المانی قدیم، و دیواس اسلاو، و دیو ایتالوی، و دیوس پرتگالی، و هسپانوی هم از یکریشه اند، و ریشه آن تاکنون در زبان ملی ما زنده و موجود است، که بزرگترین سند قدمت و اصالت پنتو بشمار می آید.

تا اینجا بصورت مختصر و کوتاه بعضی امثله را راجع به قدمت تاریخی زبان اقامه نمودیم، ولی این مبحث خیلی دراز و دامنه دار است، که تدقیقات کامل آن وظیفه تاریخ زبان و فقه اللغه است درین جا فقط مثالی چند بر سبیل اختصار آورده شد، که مقدمه این مقاله را تشکیل دهد، حالاً میرویم به اصل مطلب که عمر هزار ساله ادب پنتو است.

ادبیات پنتو تاکنون دست نخورده و در زوایای کوهسار پستونخوا مهجور افتاده است تا اندازه که جمعی از خاورشناسان مدقق موفق شده اند آثار ادبی زبان ما را یافته و به نشر و طبع آن پرداخته اند، ولی تدقیقات ادبی آنها باوجودیکه خیلی قیمت دار است، حاوی و جامع نبوده، بلکه به علت تا بلدی آنها خیلی ناقص است.

خاورشناسان و پنتو دانان انگلیسی مانند مستر راورتی، و پادری هیوز و مستشرق معروف دارمستتر فرانسوی هر یک بنوبه خود راجع به ادب و شعر و تاریخ زبان پنتو کنجکاوینها نموده، و آثار بس غنیمت و

مفیدی را گذاشته اند ولی چون یکی از آنها بمیان مملکت عزیز ما نیامده اند، لا جرم بطور کامل معلومات تاریخی و ادبی را بدست ناورده اند و کنجکاوهای ادبی آنها در پنتو محصور بوده است بهمان معلوماتیکه در سواحل دریای اتک و سیند بدست آورده توانسته اند، از تحقیقاتیکه خاورشناسان در ادب پنتو کرده اند، ما همین قدر میدانیم که ادبیات زبان ما از حدود سال هزارم هجری آغاز می شود، و علاوه ازین (۳۵۰) سال زبان ملی ما عمر ادبی ندارد، و نه آثاری از آنوقت ها پیش بدست خاورشناسان افتاده است.

ولی من بهموطنان و همزبانان عزیز خود اطمینان میدهم که زبان ملی ما عمر دراز ادبی را خیلی زیاد از آنچه تاکنون تشخیص کرده اند دارد، و در داخل وطن آثاری ازین زبان باستانی بدست می آید، که عمر ادبی آنها تا هزار سال پیش بلکه مقلن طلوع اسلام میرساند. برای این مقصد که ما آثار ادبی و نوشته های کهن زبان را بیابیم، البته کنجکاوهای زیاد و کوششهای پیهم در خور است ولی تاکنون چیزی که نگارنده در اثر کنجکاو منفرد خود یافته ام هم آثار نفیس و قیمتی است.

وقتی یکی از خاورشناسان موجوده اروپا در یکی از مجالات علمی نوشته بود، که از نگارشات میجر راورتی بر می آید که زبان پنتو در حدود پیش از سال هزارم هجری دارای یک گونه وحدت ادبی بوده، و سبک معینی در تحریر و تقریر داشت.

از آثاریکه من در زبان پنتو از قندهار، نگرهار و دیگر اطراف سرزمین پاک پنتونخوا یافته ام، این مقصد بوجه اتم و اکمل ظاهر گردید، و وحدت سبک و ادب زبان را در عصور گذشته به اثبات رسانید. مثلاً: یک اثریکه در حدود (۶۰۰ هـ) در نواح قندهار نوشته

شده، یا یک کتابیکه در حدود (۱۰۰۰ هـ) در کوهسار شنوار تگارش یافته، هر دو دارای سبک واحد و متحدی بود، و وحدت ادبی قدیم پنتو را ظاهر میکنند.

مطابق به کشف و کنجکاوی اخیریکه کردیم، و آثاریکه بدست آوردیم، عمر ادبی زبان پنتو متجاوز از هزار سال است، که بعد از (۳۰۰ هـ) آثار شعری و ادبی آنرا یافته ایم، مهمترین اثریکه درین مورد با ما کمک و یآوری نمود، بدست آمدن چند ورق از یک کتاب نفیس و گرانبھائی است که غالباً بنام (تذکره الاولیاء) از طرف سلیمان بن بارک قوم ماکو صابزی در ارغسان قندهار بعد از (۶۱۲ هـ) تگارش آمد، و این شخص علاوه بر آنکه یک اثر جاویدی را به نثر پنتو با کمال رشاق و متانت ادبی نگاشت نمونه های برجسته اشعار چندین نفر از اجداد بزرگ ما را که در اسماء الرجال ملی منزلت رفیعی را دارند، نیز نوشت و بزرگترین خدمتی به ادب پنتو نمود.

سلیمان شخص سیاح و جهان دیده بود وی در مقدمه کتاب خود همی گوید: که زیارت بسی از رجال نامور ملی در کوه سلیمان (د کسی غره) مشرف، و بعد ازین سفر که پیش از (۶۱۲ هـ) واقع شده، کتابی را در شرح حال و نمونه های اشعار رجال روحانی و بزرگان پنتون نوشته و اشعار چندین نفر از قدمای شعرای بزرگ پنتو را نقل میکند، که از آنجمله یکی همان پهلوان بزرگ تاریخ پنتون (ببب نیکه) است که مطابق بروایت سلیمان و همچنان به تائید تمام مؤرخین افغانی و عنعنات ملی برادر مرغبیت و سربین بوده و حیاتش در حدود (۳۰۰ تا ۴۰۰ هـ) به ثبوت میرسد و خود سلیمان و هم قدمای مؤرخین پنتون مانند نعمت الله هروی و خانجهان خان لودی بسال (۱۰۱۸ هـ) در مخزن افغانی شرحی را در اطراف حیات این رجل بزرگوار ملی می نویسند،

که نویسندگان هر دو کتاب مذکور با وجود بعد مدت و زمان تحریر که مدت چهار قرن در بین آنها گذشته، درین باره با هم متفق و هم‌نویسند، سلیمان ماکو در کتاب خویش نمونه‌های اشعار گرانبهای اسماعیل سرپنی (برادر زادهٔ بپت نیکه) را نیز می‌آورد و ملکیار غرشین را که معاصر سلطان شهاب الدین محمد غوری بوده، و در جملهٔ ملتان (۵۷۱ هـ) با شهنشاه موصوف رفیق و همرا بود، نیز یکی از شعرای پښتو می‌شمارد، و یک نمونهٔ بدیع حماسی وی را نقل میکند، علاوه بران سلیمان ماکو قطب الدین بختیار عارف معروف اسلامی را نیز در جملهٔ شعرای پښتو آورده و یک نغمهٔ دل انگیز عشقی وی را می‌آورند، که نگارندگان مخزن افغانی نیز دراینکه این عارف معروف یکی از رجال بزرگ افغانست با سلیمان هم‌نویسند، و وفات این خداشناس بزرگ به اتفاق مخزن افغانی و آئین اکبری ابوالفضل و محبر الواصلین (۱۴) ربیع الاول (۶۳۳ هـ) است که فرشته (۶۳۴ هـ) نگاشته و از روایات مؤرخین افغانی خصوصاً سلیمان که معاصرش بوده بر می‌آید که قطب افغان علاوه بر آنکه از مشاهیر دنیای عرفان تصوف است، از قدمای شعرای پښتون نیز بشمار می‌آید، که از جملهٔ اشعارش یک ترانهٔ عشقی، ببرکت مساعی سلیمان ماکو تاکنون محفوظ مانده و خوشبختانه بدست ما افتاده است.

دیگر از قدمای شعرای نخستین پښتو تایمینی (معاصر غوریها) و غزنوی (معاصر غزنویها) و اکبر زمین داوری (معاصر تیمورلنگ) و شیخ عیسی مشوانی (معاصر شیرشاه سوری) و ملا الف هوتک (متولد بعد از ۹۵۰ هـ) و میرزا خان انصاری (متولد بعد از ۹۵۰ هـ) و دولت لوانی (متولد بعد از ۹۵۰ هـ) و ملا مست شنواری (متولد بعد از ۹۵۰ هـ) و اخند درویزه ننگرهاری (متولد بعد از ۹۵۰ هـ) و غیره و غیره است. که

تذکره های شعراء و نثر نگاران پستو که در پستو ټولنه نگارش یافته و عنقریب طبع و نشر خواهد شد، شرح آنها مفصل نگاشته شده، و قارئین محترم و شوق مندان ادب پستو انتظار نشر آنها بکشند. قرار شرح کوتاهی که در سطور بالا نگارش یافت علاوه بر آنکه روابط قریبه و عنصری زبان پستو با السنهٔ قدیمهٔ آریائی ثابت است، و زبان ملی ما تقریباً مادر و لسان مرکزی آریائی بشمار می آید بعد از اسلام و مخصوصاً درین هزار سال اخیر، با اسناد تحریری و تاریخی عمر ادبی این زبان نیز آغاز و اثبات میگردد.

و اگر تحقیقات و کنجاویهای منظم و علمی بعمل آید، و در زوایای این کوهسار منبع، تلاش و تدقیق شود، یقین است که علاوه بر معلومات موجودهٔ ما آثار نفیس دیگری هم بدست آید، که بنیان عمر تاریخی زبان ما را مرصوص تر و استوار تر نمایند.

درین مقاله من فقط خلص کنجاویهای ادبی خود را نگاشتم تفصیل موضوع را خوانندگان محترم با تطبیقات تاریخی شعرائیکه درین روزها ترتیب و نگارش یافته بعد از نشر و طبع بخوانند، و کسانی که از قلت معلومات عمر ادبی زبان ما را از دو سه سال زیاد نمی انگاشتند، از مطالعهٔ این کتاب خواهد دریافت که زبان پستو پوره عمر هزارسالهٔ ادبی دارد و شاید تدقیقات آیندهٔ آنها زیاده از آن هم ثابت نماید. (۹)

ماخذ

۱. تمدن آريانه‌های خاوری دوكتور ويلهلم جيگر الماني - ج ۱ ص ۶۶، ۷۴ و ايران قديم ج ۱ ص ۱۱
۲. يشت اوستا باب ۱۳ - فقره ۳۷ - ۳۸
۳. تمدن آريانه‌های خاوری جيگر الماني ج ۱ - ص ۱۸۲
۴. منوشاستر باب اول ص ۳۱
۵. تمدن هند گوستاولويون ص ۲۱۵
۶. منوشاستر ۹ - ۳۲۲
۷. مجله آثار عتيقه هند ج ۱۱ ص ۵۷۰ طبع بمبئي
۸. منوشاستر باب ۹ - ۲
۹. مجله كابل، سال ۱۹، شماره ۱۲، ص ۱ - ۴.